



Study of the Semantic Components of Modernity In the Story of the Little *Black Fish***

Roqaieh Aliani^{1*} | Bizhan Zahiri² | Shokrolah Pooralkhas³ | Ali Safaei⁴

1. Corresponding Author, Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. Email: aliani.roghaye@gmail.com
2. Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. Email: zahirina@yahoo.com
3. Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. Email: Pouralkhas@uma.ac.ir
4. Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Gilan University, Gilan, Iran. Email: ali@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 13/05/2021
Received in revised form:
14/07/2021
Accepted: 25/07/2021

Keywords:

Literature of children and
Teens,
Modernity,
Samad Behrangi

ABSTRACT

Regarding the different conditions and characteristics compared to the past, the modern world, always needs a modern voice and ideology. Naturally, the changes in the contemporary world, willingly or unwillingly, influences in the lives of all citizens, especially children and adolescents. Therefore, in order to increase awareness of this vulnerable group, adults should identify the characteristics of the modern world and represent the far-fetched issues in this field. Children and adolescent fiction are the powerful tool for bringing these modern-day themes to the minds of children; because the story plays a prominent role in the cognitive and emotional development of children. This descriptive-analytical study seeks to extract and identify the concepts of modernity in the story of “the Little Black Fish”. The results show that Behrangi in the field of modernity views concepts such as exile, differentiation, theoretical curiosity, socialism, movement and dynamism, class conflict and freedom. By identifying with the main character of the story, the child moves away from the traditional thinking and the same color as the congregation, sympathy and goes on a long and dangerous journey.

Cite this article: Aliani, R., Zahiri, B., Pooralkhas, Sh. & Safaei, A. (2022). Study of the Semantic Components of Modernity In the Story of the Little *Black Fish*. *Research Journal in Narrative Literature*, 11(2), 1-22.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 10.22126/RP.2021.6277.1318

** this essay is extracted from a thesis



بررسی مؤلفه‌های معنایی مدرنیته در داستان ماهی سیاه کوچولو**

رقبه آلیانی^{۱*} | بیژن ظهیری^۲ | شکراله پورالخاص^۳ | علی صفایی^۴

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: aliani.roghaye@gmail.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: zahirinav@yahoo.com

۳. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: pouralkhas@uma.ac.ir

۴. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. رایانامه: safayi.ali@gmail.com

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

واژه‌های کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان، تجدد، صمد بهرنگی.

دنیای مدرن به اقتضای شرایط و ویژگی‌های متفاوت خود نسبت به گذشته، همواره خواهان صدا و ابدن‌ولوژی مدرن است. به‌طور طبیعی دگرگونی‌های جهان معاصر خواسته یا ناخواسته زندگی تمام شهروندان به‌ویژه کودکان و نوجوانان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل بزرگسالان، برای افزایش آگاهی به این قشر آسیب‌پذیر، باید ویژگی‌های جهان مدرن را شناسایی و به مراتب موضوعات پنهان مانده این عرصه را نیز بازنمایی کنند. ادبیات داستانی کودک و نوجوان ابزاری قدرتمند جهت طرح موضوعات عصر مدرن به اذهان کودکان است؛ چرا که داستان نقش برجسته‌ای در رشد شناختی و عاطفی کودکان دارد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی درصدد استخراج و شناسایی مفاهیم مدرنیته در داستان ماهی سیاه کوچولو است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بهرنگی در حوزه تجدد به مفاهیمی از جمله تبعید، تمایز، کنجکاوای نظری، سوسیالیسم، جنبش و پویایی، تضاد طبقاتی و آزادی نظر دارد. کودک در این داستان به‌واسطه هم‌ذات‌پنداری با شخصیت اصلی داستان از تفکر سنتی و هم‌رنگ جماعت شدن فاصله می‌گیرد و راهی سفری طولانی و پرخطر می‌گردد.

استناد: آلیانی، رقبه؛ ظهیری، بیژن؛ پورالخاص، شکراله و صفایی، علی (۱۴۰۱). بررسی مؤلفه‌های معنایی مدرنیته در داستان ماهی سیاه کوچولو. پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۱۱(۲)، ۱-۲۲.



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/RP.2021.6277.1318

** مقاله مستخرج از پایان‌نامه

۱. پیشگفتار

تجدد، تولدی دیگر در تمام جوانب بشری از جمله اندیشه زیستی، سیاسی و فرهنگی... است. عصر تجدد، نگاهی مدرن به امور، همراه با اکتشاف و نقد حال پدیده‌های پیرامون دارد. مدرنیته روند نو شدن جهان‌بینی است که در این دوره انسان با تفکر انتقادی از مرحله قطعیت خارج می‌شود و به دنبال رهایی از تحمیل نیروی آسمان بر انسان و تحکیم قوانین و اراده انسانی جهت اداره جامعه است.

«بسیاری باور دارند که مدرنیته؛ یعنی روزگار پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی، رشد اندیشه علمی و خردباوری، افزون شدن اعتبار دیدگاه نقادانه است» (احمدی، ۱۳۷۳: ۹).

اندیشه مدرنیته در ایران از زمان شکست ایران از روسیه نمود یافت.

«شکست ایران موجب شد که عباس میرزا و کارگزاران حکومتی دارالسلطنه تبریز به فکر اصلاحات بیفتند که از پی آمده‌های مهم آن بازسازی ارتش با شیوه‌های نو راهبرد نظامی و جنگاوری بود» (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۳۱-۱۳۲).

با ظهور جنبش مشروطه، ادبیات کودک و نوجوان از اموری بود که از این تغییر جدا نماند و تأثیرش از طریق داستان و شعر به مخاطبان این حوزه انتقال یافت. داستان یکی از انواع ادبی است که جهان‌بینی کودکان را گسترش می‌دهد.

«داستان یک نوع وسیله برای ارضای نیازهای روانی کودکان - حتی بزرگسالان - بوده است. داستان به کودک فرصت می‌دهد که امیال و محتویات «ناخودآگاه» خود را تعبیر نماید و محیط زندگی خود را بشناسد» (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۰: ۷۶).

داستان نسبت به انواع دیگر مؤثرتر واقع می‌شود؛ چرا که با نظم روایی خاصی موضوع را تشریح و کودک یا نوجوان نیز با قهرمان داستان هم‌ذات‌پنداری می‌کند؛ با این توضیح داستان و قهرمان داستان، نقش معرفتی عمیقی در رشد شناختی و ذهنی کودک ایفا می‌کنند و موجب نهادینه شدن ارزش‌ها در روح و جان کودک می‌گردند، ارزش‌هایی که در مناسبات فرهنگی هر ملتی نمود می‌یابد و در خوانندگان آن کشور مستقیم و غیرمستقیم رسوخ می‌کند. این پژوهش در صدد است مفاهیم تجدد را در اثر برجسته صمد بهرنگی؛ یعنی ماهی سیاه کوچولو بررسی کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بهرنگی در این اثر کودکان را با آثار مدرنیته از جمله تبعید، تمایز، کنجکاوای نظری، سوسیالیسم، جنبش و پویایی، تضاد طبقاتی و آزادی آشنا می‌کند.

۱-۱. پرسش پژوهش

۱- آیا ماهی سیاه کوچولو انتقال‌دهنده مفاهیم مدرن است؟

۱-۲. فرضیه پژوهش

ماهی سیاه کوچولو انتقال‌دهنده مفاهیم مدرن از جمله بدعت، تمایز، کنجکاوی نظری، سوسیالیسم، جنبش و پویایی، تضاد طبقاتی و آزادی است.

تاکنون آثار متعددی درباره ارتباط ادبیات کودکان و مدرنیته نوشته شده است از جمله: هجری (۱۳۸۳)، در مقاله «ادبیات کودک در ایران، تأثیر متقابل سنت و مدرنیته»، ادبیات کودک در ایران را حاصل تعامل و تأثیر متقابل سنت و مدرنیته می‌داند؛ از این رو به تبعیت از تلقی تاریخی جریان سنتی، اصلی‌ترین نیاز کودک؛ یعنی تعلیم و تربیت با نگاه مدرنیته همراه است پس از زبان و قصه‌گویی به جای فضای خشونت‌بار در مدرسه استفاده می‌شود.

حکمت و مهدی‌خانی (۱۳۸۸)، در مقاله «بررسی قصه ماهی سیاه کوچولو صمد بهرنگی بر اساس نقد امپرسیونیستی» معتقدند داستان ماهی سیاه کوچولو به مخاطب می‌آموزد به جای هراس از خطر باید با روحیه شهامت به سوی ناشناخته‌های جهان هستی و مبارزه با بدی‌ها رفت.

جان‌نثاری لادانی (۱۳۹۱)، در مقاله «چالش‌های سنت و مدرنیته در چند داستان کوتاه معاصر ایرانی»، در شش داستان کوتاه از مجموعه *بشنو از وی چون حکایت می‌کند* درهم تنیدگی سنت و مدرنیته را در قالب مضامین مختلف به نمایش می‌گذارد. این مضامین عبارت‌اند از: تضادهای نسل زنان مدرن و زنان سنتی، انحراف اخلاقی در جامعه مردسالار در حرکت به سمت مدرنیته، سکوت و جنون زنان، خودشیفتگی و خمودگی زن به‌عنوان موجودی با هویت مسخ‌شده در زندگی متأثر از مدرنیته.

امن‌خانی و خوجه (۱۳۹۵)، در مقاله «ادبیات کودک و ایدئولوژی‌های معاصر» ادبیات کودک را از سه ایدئولوژی لیبرالیسم، ناسیونالیسم و مارکسیسم بررسی کرده، کتاب *احمد* را در حوزه لیبرالیست‌ها، اشعار کتاب‌های درسی را در حوزه ناسیونالیسم، ماهی سیاه کوچولو را در حوزه مارکسیسم بررسی کرده‌اند.

قاسم‌زاده (۱۳۹۵)، در مقاله «کیفیت بیداری قهرمان درون در داستان ماهی سیاه کوچولو»، ماهی سیاه را کهن‌الگوی جستجوگری می‌داند که در فرایندن شدن به مرحله تشریف می‌رسد و در قالب کهن‌الگوی جنگجو به مقابله با نابودگران می‌پردازد و در نهایت به پاداش واقعی خویش؛ یعنی دریا

می‌رسد.

برزو و ریحانی (۱۳۹۸)، در مقاله «نقد کهن الگویی سفر قهرمان در داستان ماهی سیاه کوچولو بر اساس نظریه کمپبل و پیرسن» چنین می‌گویند: ماهی سیاه کوچولو به‌عنوان قهرمان برای رسیدن به شناخت عمیق خویشتن و درک درست از هستی سفر می‌کند و با گذراندن موانع، روان او رشد می‌یابد. بیدقی و ارشادی (۱۳۹۶)، در مقاله «بررسی شاخص‌های سیاسی و اجتماعی در تحلیل محتوایی آثار عباس یمنی شریف، مهدی آذریزدی و صمد بهرنگی» معتقدند که بهرنگی در داستان‌هایش، مارکسیسم را به زبان عامیانه و در فرم داستانی به مردم یاد می‌دهد و مخاطبان او به‌طور عمده فقرا و پابرهنگان هستند که به فکر آزادی و برابری هستند.

۳-۱. مباحث نظری

مدرنیته در اواخر قرن ۱۷م در اروپا با جریان‌های فکری متفکرانی از جمله بیکن، دکارت، گالیله و نیوتن شروع شد و با انقلاب صنعتی و حضور ماشین‌های عظیم در قرن نوزدهم گسترش یافت. تجدّد، تولدی دیگر در تمام جنبه‌های بشری از جمله اندیشدن، زیستی، سیاسی و فرهنگی... است. عصر تجدّد نگاهی مدرن به امور، همراه با اکتشاف و نقد حال پدیده‌های پیرامون دارد. مدرنیته روند نو شدن جهان‌بینی است که در این دوره انسان با تفکر انتقادی از ورطهٔ اتقان و قطع بیرون می‌آید و به دنبال رهایی از تحمیل آسمان بر انسان و تحکیم قوانین و ارادهٔ انسانی جهت ادارهٔ جامعه است. به‌طور کلی ارائه تعریف جامع و مانع از مدرنیته بسیار دشوار است و این واژه در هر بخشی معنای خاص خود را می‌دهد. «مدرنیته به‌عنوان ملغمه‌ای سردرگم از اسطوره و واقعیت در هر زمینه‌ای معنای خاص خود را می‌دهد» (بودریار، ۱۳۸۹: ۲۰)؛ اما به‌طور کلی مدرنیته روند نوشتن در همه پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که بنیان آن بر اساس فردیت و عقلانیت بنا شده است و این تحول به‌عنوان آگاهی مشترک، به تمام دنیا نفوذ کرده است.

«بسیاری باور دارند که مدرنیته؛ یعنی روزگار پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی، رشد اندیشه علمی و خرد باوری» (احمدی، ۱۳۷۷: ۹).

ذکر ویژگی‌های دوران مدرن چه بسا درک بهتری از مدرنیته را ارائه دهد. بامن ویژگی مدرنیته را

چنین بیان می‌کند:

«آشفتنگی، شلوغ‌کاری، درهم و برهم بودن، هیجان، اضطراب، سیالیت، شناوری، گذرا و موقتی بودن، ابهام و چندگانگی، تلون و دمدمی مزاجی، ارتجال و دفعتی بودن و عدم

قطعیّت» (بامن، ۱۳۸۰: ۳۹).

چالش مدرنیته در ایران به‌طور عمده از دوران مشروطه به واسطه عقب‌ماندگی و شکست از روسیه آغاز شد.

«شکست ایران موجب شد که عباس میرزا و کارگزاران حکومتی دارالسلطنه تبریز به فکر اصلاحات بیفتند که از پی‌آمدهای مهم آن بازسازی ارتش با شیوه‌های نو راهبرد نظامی و جنگاوری بود» (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۳۱-۱۳۲).

با ظهور مدرنیته فضای اندیشگانی نویسندگان همراه با تغییر اقتصادی و سیاسی به مرور متحول شد. این تغییر در جامعه در حال گذار، ابتدا در شکل و فرم نمود یافت سپس به سمت مفاهیم، در مبانی هستی‌شناسانه شاعران و نویسندگان نیز سوق پیدا کرد. در عصر مدرن به دلیل تغییر شرایط زندگی، مسائل و دغدغه‌های افراد جامعه نیز تغییر می‌یابد. این تغییرات قطعاً بر زندگی و افکار کودکان آن جامعه نیز تأثیر می‌گذارد. بر این اساس نویسندگان این حوزه باید کودکان عصر جدید را با شیوه‌های تربیتی این عصر آشنا کنند و منطبق با شرایط اجتماعی فعلی برای کودکان داستان بنویسند.

«ادبیات کودک با توجه به اهدافش باید کودک را برای زندگی این زمان تربیت کند و به نشان‌دادن واقعیت‌های محیط خود و جهان، شخصیت او را به نحوی بسازد که بتواند با اتکاء به نیرو و اندیشه خود، فردی مستقل و متکی به نفس بار بیاید» (حجازی، ۱۳۹۰: ۷۴).

در این پژوهش مؤلفه‌های مدرنیته در برجسته‌ترین اثر صمد بهرنگی؛ یعنی ماهی سیاه کوچولو بررسی شده است. بهرنگی در آثارش اغلب به مدرنیته گرایش دارد و معتقد است کودک باید به دنیای تجدد راه یابد.

«ادبیات کودکان باید پلی باشد بین دنیای رنگین و بی‌خبری و در رؤیا و خیال‌های شیرین کودکی و دنیای تاریک و آگاه، غرقه در واقعیت‌های تلخ و دردآور و سرسخت محیط اجتماعی. کودک باید از این پل بگذرد و آگاهانه و مسلح و چراغ به دست به دنیای تاریک بزرگترها برسد در این صورت است که بچه می‌تواند کمک و یار واقعی پدرش در زندگی باشد و عامل تغییردهنده مثبتی در اجتماع راکد و هر دم فرو رونده» (بهرنگی، ۱۳۴۸: ۱۲۳).

بهرنگی در داستان ماهی سیاه کوچولو به واسطه سمبلیسم، مفاهیم مدرنیته را در جامعه‌ای که کانال‌های گفت‌وگوهای سیاسی در تملک بود، مطرح و مشکلات سیاسی، اجتماعی را در هاله‌ای از مدلول‌های ضمنی بیان می‌کند.

«ماهی سیاه کوچولو بهترین کار بهرنگی با نثر ساده و یک‌دستی است که از وضع موجود

ناراضی است و می‌خواهد به آگاهی برسد... مبارزه بین «کهنه و نو» در می‌گیرد و ماهی سیاه به کمک دوستانش می‌گریزد و مسیر پر خطری را می‌پیماید» (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

بهرنگی در داستان‌هایش تصویری از فضای خفقان‌آور جامعه را با اندیشه سوسیالیستی، خردگرایی و تفکر انتقادی و... به نمایش می‌گذارد و راه انتقال این مفاهیم را تنها نمادپردازی می‌داند؛ چرا که جامعه در آن روزگاران فضایی برای طرح دیالوگ‌ها سیاسی نداشت.

«صمد بهرنگی از دیدگاه و تفکری کاملاً متفاوت استفاده کرده است. او سعی داشته است از مرام و اهداف سیاسی و اجتماعی خود برای داستان‌پردازی‌های خود استفاده کند» (توکلی، رضایی، ۱۳۹۸: ۱۶۰۲).

۲. تحلیل مفاهیم مدرنیته در داستان ماهی سیاه کوچولو

از نویسندگان برجسته حوزه کودک و نوجوان می‌توان به صمد بهرنگی اشاره کرد. بهرنگی در محیط استبدادزده و خفقان‌آور آن روزگار به‌عنوان فرد متعهد به جامعه به طرح مفاهیمی از جمله تبعید، تمایز، کنجکاوی ... در خلال داستان‌هایش می‌پردازد که پارادایم این مضامین مدرن در داستان ماهی سیاه کوچولو از داستان‌های ممتاز این نویسنده نمود می‌یابد.

مدرنیته در اصل، روندی برای احیای مبانی معرفتی افراد است که حامل مضامینی از جمله تبعید، تمایز، کنجکاوی و... است در ادامه این مفاهیم بررسی می‌شود.

۲-۱. بدعت

روشنفکر، از انزوا گریزان است و با حضور تلاشگرانه خود، به کشف راه نو و متفاوت از دیگران می‌اندیشد.

«برای روشنفکر، جابه‌جا شدن؛ یعنی رهاشدن از حرفه معمول، حرفه‌ای که در آن خوب کارکردن و پیروی از هنجارهای پسندیده زمان مهمترین مرحله زندگی به‌شمار می‌آید... و اینکه آنچه را به عنوان یک روشنفکر انجام می‌دهید، باید بدعت باشد؛ زیرا نمی‌توانید در جاده‌ای حرکت کنید که تجویز شده است» (سعید، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

داستان ماهی سیاه کوچولو روایتگر زندگی روشنفکری است که به دلیل تفکر و نگرش متفاوت از اطرافیان خود (یازده هزار و نود و نه تا بچه و نوه) جدا می‌شود و به تدریج فرایند جدایی شکل می‌گیرد. ماهی کوچولو برای رسیدن به دریا از خانواده و دوستانش جدا می‌شود و از ماندن در جویبار به مسیری متفاوت و نو می‌اندیشد و در حال یافتن آخر جویبار است.

«می‌خواهم بروم ببینم آخر جویبار کجاست؟» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۳۷۷).

و با این تصمیم جدی از اطرافیان خود جدا می‌شود.

«ماهی کوچولو وقتی از آن‌ها جدا می‌شد. گفت: دوستان، به امید دیدار!...» (همان: ۳۸۲).

ماهی کوچولو از هنجار و حرفه معمول خود؛ یعنی از «ماندن در جویبار» به مسیری متفاوت می‌اندیشد.

در بستری دیگر بدعت با مؤلفه فردیت همپوشانی معنایی دارد. افرادی که به فردیت دست می‌یابند به نوعی از جمع جدا می‌شوند و به ناچار باید مستقلانه به مسیر خود ادامه دهند.

«فردیت نیرویی است که از حل شدن کامل (ما در جمع) مانع می‌شود. انسان مدرن چون

یگانه مسئول ارزش‌هایی است که آفریده، همواره وانهاد و هراسان است» (احمدی، ۱۳۷۳:

۴۶).

فردیت در مدرنیته از نوع من مستقل است، منی که فرد با قدرت جسارت، از عقلانیت جهت پیشبرد اهداف خود بهره می‌گیرد، از جمله ماهی کوچولو که با استفاده از «من» وجودی به دنبال یافتن آخر جویبار است.

«از دیشب تا حالا، چشم بر هم نگذاشته‌ام و همه‌اش فکر کردم، آخرش هم تصمیم گرفتم

خودم بروم آخر جویبار را پیدا کنم. دلم می‌خواهد بدانم جاهای دیگر چه خبرهایی

هست؟» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۳۷۷).

ماهی کوچولو جسارت بهره‌گیری آزادانه از خرد را در خود می‌یابد و با عنصر عقلانیت راهی مجزا از اطرافیان برای خود مهیا می‌کند. پس فردیت در همان ابتدای داستان با گسست از دنیای سنت‌زده، برجستگی خود را نشان می‌دهد. «انسان‌گرایی هم‌ارز با آزادی در به‌کارگیری خرد، روشن‌اندیشی و روشنگری معرفی شد» (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۰۵). همچنین در شواهد استناد ذیل تأکید بر فردیت با استفاده از ضمیر «من» نشانگر فردیت و استقلال ماهی سیاه کوچولو است. بهرنگی در میان هویت‌های گم‌شده آن دوران استعمارزده از ضمیر «من» که نشانه حضور نویسنده و شخصیت‌های داستان است، بهره می‌گیرد که این مسئله القاگر نوعی اعتراض بر ضد نظام است. نظامی که با پارادایم دیکتاتوری و با حاکمیت خود، منجر به ازخودبیگانگی افراد جامعه می‌شد، به همین دلیل افرادی مانند صمد بهرنگی از وضعیت و شرایط موجود احساس ناخرسندی و بیزاری می‌کنند. در این داستان نیز ماهی سیاه کوچولو درصدد رسیدن به استقلال و فردیت است تا از این دل‌زدگی و سستی بیرون بیاید. به همین

دلیل دست به خطر می‌زند و به دریای موج سفر می‌کند تا فردیت خود را با رسیدن به دریا/مدینه فاصله به کمال برساند.

«اسم من ماهی سیاه کوچولو است شما اسمتان را بگویید تا با هم آشنا بشویم» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۳۸۲).

«من اینجام، فرمایش» (همان: ۳۸۴).

«بدان که من خودم خیلی وقت است در این فکر» (همان: ۳۷۸).

ماهی سیاه کوچولو گفت: «من خودم عقل و هوش دارم و می‌فهمم، چشم دارم و می‌بینم» (همان: ۳۷۹).

«من می‌روم دنیا را بگردم و هیچ هم نمی‌خواهم شکار جنابعالی شوم» (همان: ۳۸۵).

مؤلفه دیگر تبعید و تنهایی است. روشنفکر تبعیدشده، نیاز به ایدئولوژی خاصی ندارد او تنهاست و آزادانه به سمت هدف خود پیش می‌رود.

«روشنفکر فردی تنها است و از این جهت آزاد و خودمختار است و در واقع این تنهایی

اوست که به او امکان ارزیابی درست مسائل را می‌دهد» (جهانگلو، ۱۳۷۴: ۶۷).

بر این اساس ماهی کوچولو به واسطه افکار متفاوت خود از دیگران طرد می‌شود و خودش به تنهایی برای رسیدن به ناشناخته‌ها تلاش می‌کند.

«آخرش هم تصمیم گرفتم خودم بروم آخر جویبار را پیدا کنم» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۳۷۷).

۲-۲. تمایز

از مؤلفه‌های عصر مدرن می‌توان به اصل تمایز اشاره کرد.

«تمایز مهم‌ترین مؤلفه مدرنیته است... اساس همبستگی اجتماعی در جامعه جدید بر تفاوت

استوار بود، حال آنکه اقوام جامعه قدیم به تشابه اعضایش باز می‌گشت» (پرستش، ۱۳۸۹:

۳۱، ۳۴).

ماهی کوچولو در این داستان یک ماهی خاص و متفاوت از بقیه ماهی‌هاست که به دلیل ویژگی خردگرایی، مسیر زندگی خود را عوض می‌کند. ماهی سیاه کوچولو آزادانه جرئت اندیشیدن دارد و همین قدرت، او را وادار به ترک جویبار و تعالی به سمت دریا می‌کند.

«آزادی، آن هم بی‌زیان‌ترین آزادی‌ها؛ یعنی آزادی آشکارا به‌کار بستن خرد خویش در

تمامی زمینه‌ها... هرکس باید همواره در به‌کار بستن خرد خویش به‌گونه‌ای عمومی آزاد

باشد و تنها این روشیوه به‌کار گرفتن خرد است که می‌تواند روشنگری را در میان انسان‌ها

به پیش برد» (کانت، ۱۳۷۰: ۵۱).

عقلانیت به ماهی کوچولو قدرت گریز و سیاحت می‌دهد تا بتواند از توت‌های زندگی در جویبار و گردش‌های تکراری رهایی یابد و به جای زندگی اجباری در برکه، قدرت جست‌وجو در مسیر دریا و دنیای پر فراز و نشیب را پیدا کند. او از جبر تاریخی در برکه مانند بیزار است، جبری که مادر ماهی کوچولو و اطرافیانش محکوم به آن هستند. او از سرکوب‌شدن توسط مادر، همسایه‌ها، پیرماهی‌ها، کفچه‌ماهی و... هراسی ندارد و از همرنگ‌شدن بیزار است.

«همرنگی را می‌توان تغییری در رفتار یا عقاید شخص در نتیجه اعمال فشار واقعی یا خیالی از طرف فردی دیگر یا گروهی از مردم تعریف کرد» (ارونسون، ۱۳۸۱: ۲۲).

ماهی کوچولو به‌عنوان فرد روشنفکر جامعه‌ی معاصر، همرنگ شدن را نمی‌پسندد و فارغ از هر گونه وابستگی فکری راه خود را انتخاب می‌کند و از مسیر تکراری گذشتگان، بیزار است.

«من از این گردش‌ها خسته شده‌ام و نمی‌خواهم به این گردش‌های خسته‌کننده ادامه بدهم و یک دفعه چشم باز کنم ببینم مثل شماها پیر شده‌ام» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۳).

ماهی کوچولو قهرمان داستان از روی خرد برای خود راهی متفاوت از اطرافیان برمی‌گزیند و خطرات آن مسیر را هم به جان می‌خرد. انقلاب فکری ماهی کوچولو با تفکر و کم‌حرف‌زدن شروع می‌شود؛ چرا که افق دید ماهی کوچولو به سمت دریا است و قصد جهش در زندگی دارد و از یکنواختی محیط برکه و همسایه‌های سنت‌زده‌اش بیزار است.

«چند روزی بود که ماهی سیاه کوچولو تو فکر بود...» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۳۷۶).

«من ماه‌هاست تو این فکرم که آخر جویبار کجاست؟» (همان: ۳۷۷).

«ماهی سیاه کوچولو، شناکان، می‌رفت و فکر می‌کرد» (همان: ۳۸۱).

تفکر و خرد در دنیای مدرن به‌عنوان ابزاری برای شناخت در تمام احوال بشری است و فرد روشنفکر تکیه بر عقل ارزیابی‌کننده خود دارد و شیوه نگرشش فارغ از قید و بندهای سنتی است. از این‌رو ماهی کوچولو خود را از جزمیت دنیای محدود برکه رها می‌کند و به دنیای ناشناخته سفر می‌کند.

«خویشتن مدرن هرگز در مکان خود جا نمی‌افتد و از این رو به قول مشهور هایدیگر همواره

بی‌خانه است» (احمدی، ۱۳۷۷: ۴۶).

با این وجود مادر سنت‌زده ماهی کوچولو به نهیلیسم رسیده است؛ چرا که دید فکریش محدود به

دنیای کوچک برکه است. «آخر جانم جویبار که اول و آخر ندارد و... به هیچ جایی هم نمی‌رسد» (همان: ۳۷۷).

اما ماهی کوچولو با خرد و عقلانیت خود همه چیز را پایان‌مند می‌داند و برای پدیده‌ها انجामी در نظر دارد.

«ماهی سیاه کوچولو گفت: «آخر مادر جان! مگر نه این است که هر چیزی به آخر می‌رسد؟

شب به آخر می‌رسد، روز به آخر می‌رسد؛ هفته، ماه، سال...» (همان: ۳۷۸).

ماهی کوچولو جسارت بهرمندی از عقل خود را دارد؛ اما ماهی‌های دیگر در سرپرستی والدین خود هستند و به تقلید از سنت؛ یعنی گردش در برکه می‌پردازند.

۲-۳. جنبش و پویایی

عصر سنت همواره در سکون و ثبات به سر می‌برد؛ اما تجدد با جنبش و پویایی هم‌نواپی معنایی دارد.

«جهان امروز این اصل را به عنوان اصل اساسی پذیرفته است که سکون و تکرار و رجوع به

گذشته اصل نیست، بلکه حرکت و تغییر و پیشرفت اصل است» (آشوری، ۱۳۷۷: ۳).

بهرنگی به عنوان یک روشنفکر از سکون و ثبات گریزان است. از این رو ماهی کوچولو به نهضت و انقلاب دست می‌زند. «سر زندگی و پویایی قهرمان {ماهی سیاه کوچولو} برای گریز از زندگی ایستای فعلی، در خواستن است» (برزو و ریحانی، ۱۳۹۸: ۱۰۷). ماهی کوچولو از ثبات (جویبار، برکه) به تنش و هیجان مواج دریا می‌رسد، دریایی که نماد گسترده‌گی فضای اندیشگانی است.

«مادر و بچه صبح تا شام، دنبال همدیگر می‌افتادند... و تند تند، تو یک تکه جا می‌رفتند و

بر می‌گشتند» (همان: ۳۷۶).

بهرنگی معتقد است تنها با جنبش و تحرک است که شجاعت ایجاد می‌شود؛ چرا که ماهی کوچولو تنها با حرکت و سفر، بر ترس ناشی از مرغ سقا، اره ماهی و پرنده ماهی خوار غلبه می‌کند. «راه که بیفتیم ترسمان می‌ریزد» (همان: ۳۹۲). ماهی کوچولو به انتقاد از افکار ماهیان دیگر می‌پردازد؛ چراکه ماهیان قصد اطاعت و پیروی او از حصار جویبار را دارند.

«نمی‌خواهم به این گردش‌های خسته‌کننده ادامه بدهم و الکی خوش باشم و یک دفعه

چشم باز کنم بینم مثل شماها پیر شده‌ام و هنوز هم همان ماهی چشم و گوش بسته‌ام که

بودم...» (همان: ۳۷۹).

افراد وابسته به سنت، عقلانیت را در ثبات فکری و بازگشت به گذشته می‌دانند؛ اما مدرنیته به آینده

نظر دارد به همین دلیل جامعه سنتی عقلانیت ماهی کوچولو را در بازگشت به دنیای محدود و محصور جویبار می‌داند.

«اگر سر عقل بیایی و برگردی، آن وقت باورمان می‌شود که راستی راستی ماهی فهمیده‌ای هستی» (همان: ۳۸۱).

اما ماهی کوچولو که نمودی از فرد روشنفکر است این انقیاد و بستگی را نمی‌پسندد؛ چرا که ماهی کوچولو فردی مستقل، صاحب اندیشه و ایدئولوژی است؛ اما ماهی سیاه کوچولو با شکستن حصار و هنجارشکنی عصر سنت، به دریا و مهتاب فکر می‌کند؛ چرا که او نور و روشنایی دنیای مدرن را می‌طلبد و آرزوی تابش نور مدرنیته در خانه ذهن و اندیشه خود را دارد او نمی‌خواهد مثل همسایه‌های خود چشم و گوش بسته دنیای سنت باشد.

«خانه ماهی سیاه کوچولو و مادرش پشت سنگ سیاهی بود؛ زیر سقفی از خزه، شب‌ها دو تایی زیر خزه‌ها می‌خوابیدند. ماهی سیاه کوچولو حسرت به دلش مانده بود که یک‌دفعه هم که شده، مهتاب را توی خانه‌شان ببیند» (همان: ۳۷۶).

ماهی کوچولو قصد رفتن از جویبار سنت به دریای مدرن را دارد و به دنبال کشف آن سوی زندگی است.

«... باید از اینجا بروم» (همان: ۳۷۶).

۲-۴. کنجکاوی نظری

از ارکان اصلی تجدّد کنجکاوی نظری است. این رکن موجب به چالش کشیدن اندیشه‌ها و پرورش قدرت دانایی افراد می‌شود.

«این جهان با پرسشگری بی‌امان‌اش، با جویندگی بی‌پایان‌اش، با ابزارها و تکنیک‌هایش که هر چیزی را از هم می‌شکافت تا درون و بیرون‌اش را نیک بنگرد تا بداند که چیست؟ و کجایی‌ست؟ و چرا هست؟ و به چه کار می‌آید؟» (آشوری، ۱۳۷۷: ۱۵۸).

در داستان حاضر، ماهی سیاه کوچولو به واسطه کنجکاوی و کشف آخر جویبار دست به خطر می‌زند و از موانع سقوط از آبشار، روبه‌رو شدن با کفچه‌ماهی‌ها، قورباغه، مارمولک، مرغ سقا و مرغ ماهی‌خوار برای تجربه دنیای جدید می‌گذرد و در نهایت به دریا و آفتاب که نشان تولدی دوباره است، دست می‌یابد. ماهی سیاه کوچولو برای کشف دریا با جامعه سنت‌زده خود از جمله مادر و همسایه‌ها مقابله می‌کند و با پشتکار و اراده قوی از محیط بسته جویبار به دریا و آفتاب حقیقت سفر می‌کند،

جویباری که با شبکه نشانه‌ای شب، تاریکی، سنگ و خزه در متن نمود یافته است.

«می‌خواهم بروم بینم آخر جویبار کجاست؟... تصمیم گرفتم خودم بروم آخر جویبار را پیدا کنم. دلم می‌خواهد بدانم جاهای دیگر چه خبرهایی هست؟» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۳۷۷).

ماهی سیاه کوچولو هر لحظه به کشف جدیدی نایل می‌شود.

«ماهی سیاه کوچولو می‌رفت و فکر می‌کرد در هر وجه راه، چیز تازه‌ایی می‌دید و یاد می‌گرفت... گرمی آفتاب را بر پشت خود، حس می‌کرد و قوت می‌گرفت» (همان: ۳۸۸).

ماهی سیاه کوچولو برای کشف حقیقت (دریا) با تمام قوا در مقابل موانع ایستادگی می‌کند از جمله مرغ سقا که در جامعه بحران‌زده آن عصر، هم‌نمایی معنایی با نیروهای ساواکی دارد؛ چرا که اَبَرقدرتان برای دست یافتن به هدف خود با روشنفکرانی از این نوع به مبارزه می‌پرداختند و درصدد نابودی آنان بودند.

«هیچ میدانی مرغ سقا نشسته سر راه؟ ماهی سیاه کوچولو گفت این را هم می‌دانم... هر طوری شده باید بروم» (همان: ۳۹۰).

ماهی سیاه کوچولو نماینده یک متفکر کاوشگر است که روحیه پرسش‌گری و کاوش‌گری برای یافتن آخر جویبار را دارد و در پی یافتن این پاسخ مسیری را شروع می‌کند و در طول مسیر هم قضاوتی در مورد رفتار مردم نمی‌کند و آن‌ها را به حال خودشان می‌گذارد تا خود بتوانند راه درست را انتخاب کنند.

«ماهی سیاه کوچولو هم خنده‌اش گرفت. فکر کرد که بهترست کفچه‌ماهی‌ها را به حال خودشان گذارد و برود» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۳۸۴).

اما در عین حال به آن‌ها آگهی می‌دهد.

«بعد فکر کرد بهتر است با مادرشان هم دو کلمه‌ای حرف بزند» (همان: ۳۸۲).

این نوع افراد هدفشان مشخص و واضح است که در داستان ماهی سیاه کوچولو هدف او یافتن آخر جویبار است.

«می‌خواهم بروم بینم آخر جویبار کجاست؟» (همان: ۳۷۷).

انسان مدرن با روحیه کنجکاوی ذهن سؤال‌خیزی دارد و برای پاسخ به سؤال‌سؤالات بی‌طرفانه به حل مسائل می‌پردازند.

«ماهی سیاه کوچولو ناچار راه افتاد؛ اما همین‌طور سؤال پشت سر سؤال بود که دائم از خودش می‌کرد...» (همان: ۳۸۸).

۲-۵. رئالیسم سوسیالیسم

رئالیسم سوسیالیستی به توده‌های مردمی گفته می‌شود که با ایدئولوژی خاصی جهت‌رهایی از استثمار تلاش می‌کنند و برای آزادی طبقه کارگر به کارهای اجتماعی روی می‌آورند.

«رئالیسم سوسیالیستی از هنرمند می‌خواهد که در تحول ایدئولوژیک و تربیت کارگران با روحیه سوسیالیستی شرکت کند» (سید حسینی، ۱۳۸۱: ۳۰۲).

حزب توده به دنبال سرنگونی بورژوازی و از بین بردن فاصله طبقاتی بود. در داستان حاضر نیز گروه‌های چریکی (دسته ماهی‌ها) درصدد از بین بردن سرمایه‌داران از جمله ماهیگیر هستند. «ماهی سیاه کوچولو، نماد چریک‌های کوچکی است که خویشتکاری آن‌ها به حرکت واداشتن پروتئاریا برای انجام رسالت خود (تغییر جامعه) است» (امن‌خانی و خوجه، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

در داستان حاضر، دسته‌های ماهی به فکر رهایی خویشان از استثمار ماهی‌گیر هستند؛ با این توضیح چه‌بسا ماهی‌گیران و شکارچیان همان ساواک باشند که حزب توده قصد براندازی آنان را دارد. توده‌ها (دسته‌های ماهی) با ایدئولوژی خاص و روشن (وارد تور شدن و بردن تور) به مبارزه با ماهی‌گیر دشمن می‌پردازند و قصد رهایی از استعمار و رسیدن به آزادی (دریا) را دارند؛ با این توضیح ماهی کوچولو به‌عنوان روشنفکر سیاسی در برابر دشمنان مسیر، قد علم می‌کند و به طغیان و یاغی‌گری می‌پردازد.

«خیلی‌ها گذشته‌اند! آن‌ها حالا دیگر برای خودشان دسته‌ای شده‌اند و مرد ماهی‌گیر را به تنگ آورده‌اند» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۳۸۸).

«اگر به حساب فضولیم نمی‌گذاری، بگو ببینم ماهی‌گیر را چطور به تنگ آورده‌اند» (همان: ۳۸۸).

مارمولک گفت: آخر نه که همه با هم‌اند، همین که ماهی‌گیر تور انداخت؛ وارد تور می‌شوند و تور را با خوشان می‌کشند و می‌برند ته دریا» (همان: ۳۸۸).

صمد به‌رنگی از طرفداران حزب توده، قصد پیوستن به حزب توده را داشت؛ اما هنوز راه نهایی خود را انتخاب نکرده، در شک و تردید بود؛ چرا که پیش از وارد شدن به دسته ماهی‌ها ابتدا قصد «گشت‌زدن» و تجزیه و تحلیل‌کردن داشت.

«وسط راه به یک گله ماهی برخورد- هزارها هزار ماهی... یکی دیگر می‌گفت هر وقت دلت می‌خواست می‌توانی داخل دسته ما بشوی... بهتر است اول گشتی بزنم بعد بیایم داخل

دسته شما بشوم ... دلم می‌خواهد این دفعه که تور ماهی‌گیر را در می‌برید من هم همراه شما باشم» (همان: ۳۹۶).

بهرنگی به دلیل مبارزه انفرادی و وارد نشدن در هیچ حزبی، توسط ماهی‌خوار شکار شد، به همین دلیل مبارزه انفرادی در اوج خود نیز با شکست مواجه می‌شود؛ همان‌طور که حلزون نیز پیش از آن، توسط سنت‌زدگان کشته شده بود.

«ماهی سیاه کوچولو گفت... شماها سر آن بیچاره [حلزون] را زیر آب کردید» (همان: ۳۸۰).

در گروه‌های چریکی، رهبر، هدایت گروه را بر عهده دارد که در شاهد مثال ذیل خورشید رهبر گروه‌های چریکی است که ماه به‌عنوان مبارز، نور اصلی را از رهبر می‌گیرد؛ اما دشمن‌های ابر مانند، مانع ابلاغ سخنان منور روشنفکران به مبارزان هستند.

«دلم می‌خواست تا صبح پیشت بمانم؛ اما ابر سیاه بزرگی دارد می‌آید طرف من که جلو نورم را بگیرد» (همان: ۳۹۱).

«ماه نتوانست حرفش را تمام کند. ابر سیاه رسید و رویش را پوشاند و شب دوباره تاریک شد و ماهی سیاه کوچولو تک و تنها ماند» (همان: ۳۹۱).

در بستری دیگر، ابر سیاه و نور تقابل میان سنت و مدرنیته را نشان می‌دهند که سنت‌زده‌ها با توتم‌پرستی‌های خود به‌عنوان حجاب، مانع رسیدن نور می‌شوند. ابر، نقش سرکوب‌کنندگی عوامل رادیکال را دارد و درصدد قبضه کردن راه‌های ارتباطی برای آگاه ساختن مردم است، ازاین‌رو دوباره تاریکی افکار همه جا را فرا می‌گیرد؛ چرا که ابرهای ابر قدرت مانع از طرح آزادانه انتقادات و معضلات می‌شوند.

۲-۶. تضاد طبقاتی

در روزگار بهرنگی، جامعه، شامل اقشار مختلفی از جمله ماهی کوچولو، حلزون، مارمولک (روشنفکران) سنت‌زده‌ها (مادر ماهی کوچولو، اطرفیان)، دشمنان و ساواک (مرغ سقا و ماهی‌خوار) را تشکیل می‌داد که در بستری از داستان حاضر تضاد طبقاتی میان سرمایه‌دار و کارگر دیده می‌شود. در شاهد مثال ذیل استفاده از عبارت متلمس جویانه ماهی‌ریزه‌ها «حضرت آقا» «دعاگو بودن» نشانگر احساس ضعف طبقه کارگر است. بهرنگی این نابرابری‌های اجتماعی را می‌بیند و به مبارزه با آن‌ها می‌پردازد.

«در نظام‌های طبقاتی، قربانی شدن طبقه فرودست و زحمتکش برای موجودیت طبقه حاکم، امری طبیعی به شمار می‌رود... صمد که از این امر آگاه است مردم را به مبارزه و درگیری تشویق می‌کند» (خسروشاهی و چراغی، ۱۳۹۳: ۱۵۵۲).

ماهی کوچولو به‌عنوان یک روشنفکر، هدف آگاهی‌بخشی به کارگران و براندازی سرمایه‌داران را دنبال می‌کند. روحیه مبارزه‌گری ماهی کوچولو در مقابل ماهی‌های ریز که قصد لودادن ماهی کوچولو را دارند، شایسته تحسین است که پیروز این میدان ماهی کوچولو است.

«ماهی‌ریزه‌ها به التماس افتادند و گفتند. «حضرت آقای مرغ سقا! ما تعریف شما را خیلی وقت پیش شنیده‌ایم و اگر لطف کنید منتظر مبارک را یک کمی باز کنید که ما بیرون برویم، همیشه دعا گوی وجود مبارک خواهیم بود» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۳۹۳).

۲-۷. آزادی

از شاخصه‌های مهم عصر تجدد، آزادی است. آزادی به استقلال و فردیت ساکنان جامعه کمک می‌کند. چنین افرادی فارغ از اعتقادات سنتی، عقل را مرکز ثقل قرار می‌دهند و خرد را بهترین ابزار پیشبرد هدف می‌دانند، از این‌رو محکوم به جبر نمی‌شوند.

«زمانی می‌توان گفت فرد به آزادی رسیده و از قید و اجبار رهایی یافته است که مطابق میل و تشخیص خود بتواند فکر کند و عمل کند و فرصت شکوفاسازی خود را داشته باشد» (میل، ۱۳۶۳: ۷۸).

بر این اساس در داستان حاضر، ماهی کوچولو با فکر خود برای رهایی از قبضه جامعه سنتی تصمیم مصممانه می‌گیرد و راهی دریای پرخطر می‌شود تا از این طریق به تولدی دوباره - دریا، آفتاب، ماهی قرمز - دست یابد. ماهی کوچولو با رهسپاری به دریا خود را از قیدوبندهای افراد نادان از جمله مادر و اطرافیان رهایی می‌بخشد، ولی کفچه‌ماهی‌های نادان خود را در حصار سنت محبوس می‌کنند. «مگر غیر از برکه، دنیای دیگری هم داریم؟» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۳۸۳).

کفچه‌ماهی‌ها قدرت تصور دنیای مدرنیته را ندارند؛ چرا که در سنت غرق شده‌اند. ماهی کوچولو گفت: «شما که نمی‌توانید از برکه بیرون بروید، چطور از دنیاگردی دم می‌زنید؟» (همان: ۳۸۳)؛ اما ماهی سیاه کوچولو قصد تغییر و رهایی و آزادی دارد، از این‌رو به سمت دریا می‌رود. «آره مادر باید بروم» (همان: ۳۷۷).

در آن فضای سنتی هنوز آزادی بیان و دموکراسی وجود نداشت، به همین دلیل حلزون روشنفکر

توسط سنت زده‌ها کشته می‌شود.

«حش بود بکشیمش؛ یادت رفته اینجا و آنجا که می‌نشست چه حرف‌هایی می‌زد؟... ماهی سیاه کوچولو گفت: «پس مرا هم بکشید چون من هم همان حرف‌ها را می‌زنم» (همان: ۳۱۰).

حلزون و ماهی کوچولو نماد روشنفکرانی هستند که به دلیل عدم آزادی بیان و آزادی بعد از بیان طعمه مرگ می‌شوند. حلزون و ماهی (صمد) با تشکیل احزاب و گروه‌ها نقش بیدارکنندگی توده مردم از جهالت را داشتند؛ اما ساوک با دستگیری و ایجاد رعب و وحشت درصدد سرکوب کردن آزادی بود که این مسئله مانع از طرح آشکار مفاهیم اجتماعی می‌شد، البته روشنفکرانی مانند ماهی کوچولو با کشتن ساواک درصدد آزادی برای توده مردم بودند.

«ماهی سیاه کوچولو گفت: من می‌خواهم ماهی‌خوار را بکشم و ماهی‌ها را آسوده کنم» (همان: ۳۹۹).

مرغ سقا شرط رهایی ماهیان را در خفه کردن ماهی کوچولو می‌داند مرغ سقا چه‌بسا ساواکی باشد که درصدد خاموش کردن صدای معترضان است و از هر طریقی برای رسیدن به این امر بهره می‌گیرد.

«این ماهی کوچولو را خفه کنید تا آزادی‌تان را به‌دست آورید» (همان: ۳۹۳).

«باید خفه‌ات کنیم ما آزادی می‌خواهیم» (همان: ۳۹۴).

داستان ماهی سیاه کوچولو به‌طور کلی بیانگر فضای دیکتاتوری آن دهه است و شبکه‌واژگانی خنجر، گوشمالی، گلوله، شکارچی و... مؤید این فضای محدود و محصور است.

«شکارچی دنبالم کرده یک گلوله هم بهم زده اینهاش» (همان: ۳۱۹).

روشنفکران در شرایط حاد برای دست‌یابی به آزادی از مبارزات مسلحانه نیز بهره می‌گرفتند؛ چرا که ارشاد پاسخ‌گو نبود.

«اگر حرف مرا قبول نکنید با این خنجر همه‌تان را می‌کشم» (همان: ۳۹۴).

فرد متفکر در وهله اول خواهان امنیت و آرامش دیگران است که این مسئله در داستان حاضر نمود یافته است؛ چرا که ماهی کوچولو بعد از شکارشدن توسط مرغ ماهی‌خوار درصدد آزادی و نجات ماهی‌ریزه‌هاست، برای همین از سلاحش؛ یعنی خنجر برای پاره کردن شکم ماهی‌خوار بهره می‌گیرد تا ماهی‌ریزه‌ها بتوانند از دهان مرغ ماهی‌خوار فرار کنند. متفکر منتقد (ماهی کوچولو) به نجات خود فکر نمی‌کند؛ از این رو ماهی سیاه کوچولو درصدد اتمام رسالت و مأموریتش؛ یعنی نابودی دشمنان است.

ماهی کوچولو به‌عنوان رهبر مبارز انقلابی، راه فرار را به توده‌ها نشان می‌دهد که بعد از نشان‌دادن راه با سؤال «پس خودت چی؟» مواجه می‌شود، در حالی که ماهی کوچولو به نجات خود فکر نمی‌کند؛ بلکه در فکر انهدام دشمن است و هدفش را با رویکردهای خود از جمله، مبارزه با دشمنان، پاسخ منطقی به اطرافیان، استفاده از قدرت تعقل و... به سمت جلو پیش می‌برد. چنین افرادی برای رسیدن به هدف ناامید نمی‌شوند و به تلاش مداوم خود ادامه می‌دهند که نمود این مفاهیم در مبارزه با مرغ سقا، مرغ ماهی‌خوار و خرچنگ و... جریان دارد.

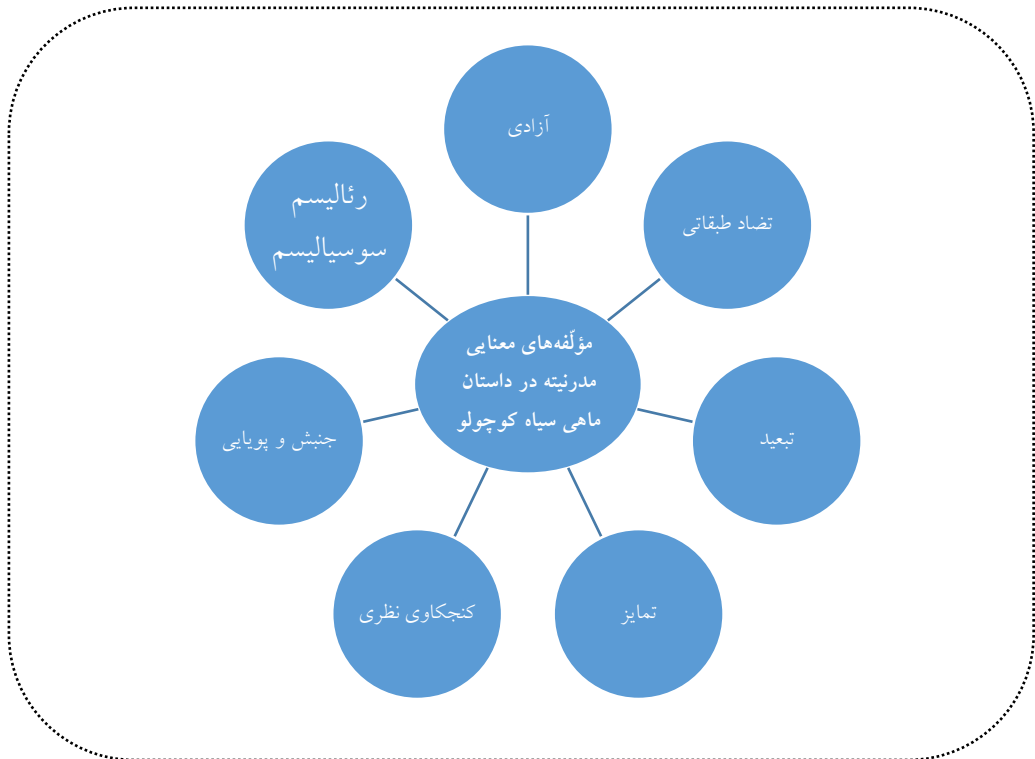
«من می‌خواهم ماهی‌خوار را بکشم و ماهی‌ها را آسوده کنم... همین که دهانش باز شد و

شروع کرد به قافاه خندیدن تو بیرون بیر... ماهی‌ریزه گفت: پس خودت چی؟ ماهی سیاه

کوچولو گفت: فکر مرا نکن، من تا این بدجنس را نکشم بیرون نمی‌آیم» (همان: ۳۹۹).

اما انسان سنت‌زده به هر قیمتی خواهان آزادی خود است. ماهی‌ریزه‌ها گفتند:

«باید خفه‌ات کنیم ما آزادی می‌خواهیم» (همان: ۳۹۴).



شکل ۱. مؤلفه‌های معنایی مدرنیته در داستان ماهی سیاه کوچولو

۳. نتیجه گیری

تجدد را می‌توان شبکه‌ای از تحولات معماری، فرهنگی- ادبی، اقتصادی و... دانست که مرکز ثقل فکری آنان اصل اصالت انسان، فارغ از نقطه ماورایی است. با ظهور مدرنیته جهان‌بینی نویسندگان از جمله ادبیات کودکان نیز متحول گردید. دنیای خاص کودکان نیازها و خواسته‌های گوناگونی را می‌طلبد به همین دلیل باید به نیازهای روحی کودکان نیز پاسخ داد؛ از این جهت به این قشر از جامعه باید توجه بیشتری شود. این پژوهش به بررسی مفاهیم معنایی مدرنیته در داستان ماهی سیاه کوچولو پرداخته است، نتایج پژوهش بر آن است که مؤلفه‌های مدرنیته از جمله تبعید، تمایز، کنجکاوی نظری، آزادی، تضاد طبقاتی، رئالیسم سوسیالیسم اندیشه غالب صمد بهرنگی در این داستان است. به‌طور کلی بهرنگی در این داستان بر پارادایم‌های آموزش سنتی غلبه می‌کند و کودک را با پرسش‌گری و فرایند کاوش‌گری ذهنی آشنا می‌کند در نتیجه باعث رشد و انسجام‌بخشی قدرت اندیشگانی کودک می‌شود و فرد را به چالش کنجکاوی سوق می‌دهد و معتقد است برای رسیدن به مرحله دموکراسی در آینده باید افکار کودک را به واسطه کاوش‌گری به انعطاف رساند و از ایستایی به سمت پویایی سوق داد تا به آزادی بیان ایمان آورند. روشنفکر متفکر به دلیل تفکر متفاوت خود از اطرافیان خود فاصله می‌گیرد و به واسطه مؤلفه فردیت جرئت اندیشیدن پیدا می‌کند، از این‌رو تصمیم جدی برای هنجارشکنی و کناره‌گیری از دیگران پیدا می‌کند و با تفکر خود آزادانه به هدف اصلی خود می‌اندیشد.

کتابنامه

- احمدی، بابک. (۱۳۷۳) *مدرنیته و اندیشه‌های انتقادی*. تهران: مرکز.
- احمدی، بابک (۱۳۷۷) *معمای مدرنیته*. تهران: مرکز.
- ارونسون، الیوت. (۱۳۸۱) *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه حسین شکرکن. تهران: رشد.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۳) *سنت و نوآوری در شعر معاصر*. تهران: علمی و فرهنگی.
- آشوری، داریوش. (۱۳۷۷) *ما و مدرنیته*. تهران: صراط.
- بامن، زیگمون. (۱۳۸۰) *مدرنیته و مدرنیسم*، ترجمه حسین علی‌نوذری. تهران: نقش جهان.
- بودریار و دیگران. (۱۳۸۹) *سرگشتگی نشانه‌ها: نمونه‌هایی از نقد پسا‌مدرن*، مترجمان بابک احمدی و دیگران
- گزینش و ویرایش مانی حقیقی. تهران: مرکز

- بهرنگی، صمد. (۱۳۴۸) مجموعه مقالات. تهران: شمس.
- بهرنگی، صمد (۱۳۸۷) *قصه‌های بهرنگ*. تهران: سرایش.
- تسلیمی، علی. (۱۳۸۸) گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران (داستان). تهران: کتاب آمه.
- جهانبگلو، رامین. (۱۳۷۴) *مدرنیته، دموکراسی و روشنفکران*. تهران: مرکز.
- سعید، ادوارد. (۱۳۸۰) *نقش روشنفکر، ترجمه حمید عضدانلو*. تهران: نی.
- سیاح، فاطمه. (۱۳۵۴) *نقد و سیاحت، به کوشش محمد گلبن*. تهران: توس.
- سید حسینی، رضا. (۱۳۸۱) *مکتب‌های ادبی*. تهران: نگاه.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۷۰) *ادبیات کودکان*. تهران: اطلاعات.
- شوالیه، ژان؛ گریبان، آلن. (۱۳۸۴) *فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی*. تهران: جیحون.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۳۸۵) *تأملی درباره ایران: مکتب تبریز و مبانی تجدّدخواهی*، جلد دوم. تبریز: ستوده.
- میل، جان استوارت. (۱۳۶۳) *رساله‌ای درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ الاسلام*. تهران: علمی و فرهنگی.
- میلانی، عباس. (۱۳۸۲) *تجدّد و تجدّد ستیزی در ایران*. تهران: اختران.
- نوری، نظام‌الدین. (۱۳۸۴) *مکاتب ادبی و هنری ایران و جهان*. تهران: زهره.
- امن‌خانی، عیسی؛ خوجه، عایشه. (۱۳۹۵) «ادبیات کودک و ایدئولوژی‌های معاصر» *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۴۲ صص ۱۳۹ - ۱۶۶.
- بیدقی، فاطمه؛ ارشادی، سمیه. (۱۳۹۶) «بررسی شاخص‌های سیاسی و اجتماعی در تحلیل محتوایی آثار عباس یمنی شریف، مهدی آذرین‌دی و صمد بهرنگی». *دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی*.
- پرستش، شهرام. (۱۳۸۹) «جهان تازه استقلال یافته کودکان: جستاری در انسان‌شناسی ادبیات کودک». *مطالعات ادبیات کودک، بهار و تابستان، شماره ۱، صص ۳۱-۵۴*.
- توکلی، مریم؛ رضایی، حمید. (۱۳۹۸) «بررسی طنز و شوگردهای آن در آثار عباس یمنی شریف». *هشتمین همایش ملی متن پژوهی ادبی نگاهی تازه به متون حماسی، صص ۱۵۴۹-۱۵۶۰*.
- جان‌نثاری‌لادانی، زهرا. (۱۳۹۱) «چالش‌های سنت و مدرنیته در چند داستان کوتاه معاصر ایرانی»، *نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان*، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۵۶.

حکمت، شاهرخ؛ مهدی خانی، سارا. (۱۳۸۸) «بررسی قصه ماهی سیاه کوچولوی صمد بهرنگی بر اساس نقد امپرسیونیستی». *زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۱۷، صص ۴۷-۵۶.

جباریلر خسروشاهی، هانیه؛ چراغی، زینب. (۱۳۹۳) «تحلیل آثار صمد بهرنگی با تکیه بر آموزه‌های مارکسیسم». *گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران*، صص ۱۵۴۹-۱۵۶۰.

عبدالله‌زاده برزو، راحله؛ ریحانی، محمد. (۱۳۹۸) «نقد کهن‌الگویی سفر قهرمان در داستان ماهی سیاه کوچولو بر اساس نظریه کمپبل و پیرسن». *مطالعات ادبیات کودک*، شماره ۱، صص ۱۰۲-۱۲۲.

فاضلی، مهیود؛ حسینی، فاطمه‌سادات. (۱۳۹۱) «سنت و مدرنیته در رمان همسایه‌ها». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۲۷، صص ۱۵۹-۱۷۶.

قاسم‌زاده، سید علی. (۱۳۹۵) «کیفیت بیداری قهرمان درون در داستان ماهی سیاه کوچولو». *نشریه ادبیات پارسی معاصر*، شماره ۳، صص ۵۵-۷۵.

کانت، امانویل. (۱۳۷۰) «روشنگری چیست؟»، ترجمه هماین فولادپور، کلک، شماره ۲۲.

کوکبی، مرتضی؛ حری، عباس؛ مکتبی‌فرد، لیلا. (۱۳۸۹) «بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های کودک‌کان و نوجوانان». *مطالعات ادبیات کودک*، شماره ۲، صص ۱۵۷-۱۹۳.

مقدم‌پور، فاطمه. (۱۳۸۱) «بررسی تطبیقی دو مفهوم فنا در عرفان اسلامی و نیروانه در آیین بودا»، نامه انجمن، شماره ۵، صص ۱-۷۸.

ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۵) «سازگاری معنویت و مدرنیته». *شرق*، شماره ۸۳۵.

هجری، محسن. (۱۳۸۳) «ادبیات کودک در ایران، تأثیر متقابل سنت و مدرنیته». *پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان*، شماره ۳۸، صص ۸۵-۹۹.

قبادی، حسین علی؛ مهری، سعید؛ غلامحسین زاده، غلامحسین. (۱۳۹۴) *تحلیل تحول مفهوم من از فرد تا فردیت در متون عرفانی و عصر مدرن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

References

Ahmadi, Babak. (1373) *Modernity and Critical Thoughts*. Tehran: Markaz.

Ahmadi, Babak (1377) *The Mystery of Modernity*. Tehran: Markaz.

Aaronson, Elliott. (1381) *Social Psychology*, translated by Hossein Shekarkan. Tehran: Roshd.

- Aminpour, Qaiser. (1383) *Tradition and Innovation in Contemporary Poetry*. Tehran: Scientific and Cultural Center.
- Ashoori, Dariush. (1377) *Modernism*. Tehran: Sarat.
- Baman, Zigmun (2010) *Modernity and Modernism*, translated by Hossein Ali Nozari. Tehran: Naqsh Jahan.
- Boudria and others. (2010) *The Confusion of Signs: Examples of Postmodern Criticism*, translated by Babak Ahmadi and others and edited by Mani Haghighi. Tehran: Markaz.
- Behrangi, Samad. (1348) *Collection of Articles*. Tehran: Shams
- Behrangi, Samad (2007) *Tales of Behrang*. Tehran: Saraish.
- Taslimi, Ali. (2008) *Propositions in Contemporary Iranian Literature (fiction)*. Tehran: Ketabame.
- Jahanbeglu, Ramin. (1374) *Modernity, Democracy and Intellectuals*. Tehran: Markaz.
- Said, Edward. (1380) *The Role of Intellectuals*, translated by Hamid Azdanlu. Tehran: Ney.
- Sayah, Fatima. (1354) *Tourism Criticism, by the Efforts of Mohammad Golbon*. Tehran: Toos.
- Seyed Hosseini, Reza. (1381) *Literary Schools*. Tehran: Negah.
- Shaari Nejad, Ali Akbar. (1370) *Children's Literature*. Tehran: Etelat.
- Knight, Jean; Gerberan, Alan. (1384) *The Culture of Symbols*, translated by Sudabeh Fazali. Tehran: Jeyhoon.
- Tabatabaei, Seyyed Javad. (1385) *Reflections on Iran: Tabriz School of Modernity*, Volume 2. Tabriz: Setoudeh.
- Mill, John Stewart. (1363) *A Treatise on Freedom*, translated by Javad Sheikh al-Islam. Tehran: Scientific and Cultural Center.
- Milani, Abbas. (1382) *Modernity and Against Modernity in Iran*. Tehran: Akhtran.
- Noori, Nezamuddin. (2004) *Iran Literary and Art Schools*. Tehran: Zohreh.
- Amankhani, Isa; Khoja, Ayesha. (2015) "Children's Literature and Contemporary Ideologies", *Persian language and literature research*, number 42, pp. 139-166.
- Beydagi, Fatima; Ershadi, Somayeh. (2016) "Investigation of political and social indicators in the content analysis of the works of Abbas Yamini Sharif, Mehdi Azarizdi and Samad Behrangi". The 12th International Conference on the Promotion of Persian Language and Literature.
- Parastesh, Shahram. (2009) "The Newly Independent World of Children: a Research in the Anthropology of Children's Literature".
- Tavakoli, Maryam; Rezaei, Hamid. (2018) "Study of humor and the Approaches in the

- works of Abbas Yamini Sharif". 8th National Conference on Literary Text Studies, A New Look at Epic Texts, pp. 1560-1549.
- Jan Nesari Ladani, Zahra. (2017) "Challenges of tradition and modernity in several contemporary Iranian short stories", *World Contemporary Literature Research Journal*, No., pp. 141-156.
- Hekmat, Shahrokh; Mehdikhani, Sara. (2008) "Review of Samad Behrangi's "Little Black Fish Story" based on Impressionist Criticism". *Persian Language and Literature*, No. 17, pp. 47-56.
- Jabari Lor Khosrow Shahi, Haniyeh; Cheraghi, Zeynab. (2013) "Analysis of the works of Samad Behrangi based on the teachings of Marxism". The National Meeting of the Persian Women's Education Association of Iran, pp. 1560-1549.
- Abdollahzadeh Barzou, Raheleh; Reyhani, Mohammad. (2018) "An archetypal Critique of the Hero's journey in the story of "the Little Black Fish" based on Campbell-Pearson's theory". *Children's Literature Studies*, No. 1, pp. 102-122.
- Fazeli, Mehbod; Hosseini, Fateme Sadat. (1391) "Tradition and Modernity in the Neighbors Novel". *Persian Language and Literature Research*, No. 27, pp. 159-176.
- Qasem Zadeh, Seyyed Ali. (2016) "The Awakening Quality of the Hero in "the Story of the Little Black Fish". *Contemporary Persian literature magazine*, No. 3, pp. 55-75.
- Kant, Immanuel. (1370) "What is Enlightenment?", translated by Homayoon Fouladpour, Kalk, No. 22.
- Kokabi, Morteza; Hari, Abbas; Maktabi-Fard, Leila. (1389) "Investigation of Critical Thinking Skills in Children's and Teenagers' Stories" *Children's Literature Studies*, No. 2, pp. 157-193.
- Moghadampour, Fatima. (1381) "Comparative study of two concepts of Annihilation in Islamic Mysticism and Nirvana in Buddhism", *Nameh Anjoman*, No. 5, pp. 1-78.
- Malikian, Mustafa. (1385) "Compatibility of Spirituality and Modernity". *Sharq*, No. 835.
- Hejri, Mohsen. (1383) "Children's literature in Iran, the Mutual Influence of Tradition and Modernity". *Journal of Children and Adolescent Literature*, No. 38, pp. 85-99.
- Ghobadi, Hossein Ali; Mehri, Saeed; Gholamhosseinzadeh, Gholamhossein. (2014) "Analysis of the evolution of the concept of self to individuality in mystical texts and the modern era". Master's Thesis, Tarbiat Modares University, Faculty of Literature and Human Sciences.